

تئوری بینوایی فزاینده

مارکس ۶۰ سال پیش از «سومبارت» نوشت: «بنابر این، انباشت ثروت در یک قطب، هم زمان باعث، انباشت بینوایی و بدبختی، رنج زحمت، بردگی، نادانی، خوی وحشی گری، افت قدرت مغزی در قطب دیگر، یعنی برای آن طبقه ای که محصول خود را در شکل سرمایه تولید می کند، می گردد.» این تز مارکس تحت عنوان «تئوری بینوایی فزاینده»، همیشه مورد حمله ی رفرمیست های دموکرات و سوسیال دموکرات قرار می گرفت؛ به خصوص در طول دوره ی ۱۹۱۴-۱۸۹۶، زمانی که نظام سرمایه داری به سرعت شکوفا شد و بعضی امتیازات خاص را به کارگران، به خصوص به لایه های بالایی آن ها داد. پس از جنگ جهانی، بورژوازی که از جنایات خود و انقلاب اکتبر، به وحشت افتاده بود، مسیر رفرم های اجتماعی تبلیغ شده ای را که هم زمان بر اثر تورم و بیکاری ارزششان به صفر رسیده بود، برگزید. یعنی همان تئوری دگرگونی مترقی جامعه ی سرمایه داری ای که به نظر رفرمیست ها و پروفیسورهای بورژوایی کاملاً تضمین شده بود. «سومبارت» در سال ۱۹۲۸ به ما اطمینان خاطر داد که: «قدرت خرید کارگر مزدگیر به نسبت مستقیم با گسترش تولید سرمایه داری افزایش یافته است.»

در حقیقت، تضاد اقتصادی بین پرولتاریا و بورژوازی که در بخش اعظم بهترین دوره های پیش رفت سرمایه داری، زمانی که سطح زنده گی لایه های

خاصی از زحمت کشان که در مقاطعی از زمان در سطح گسترده ای ارتقاء یافت، بدتر می شد، کاهش سهم پرولتاریا از درآمد ملی را به طور سطحی از انزار پنهان نگاه می داشت. لذا درست ماقبل از پای درآمدن [از نظر اقتصادی] یعنی سال های بین ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ تولید صنعتی در ایالات متحده ۵۰ درصد رشد کرد، در مقابل مبلغی که بابت کل دستمزدها پرداخت شد، حداکثر ۳۰ درصد بیشتر افزایش نیافت. یعنی، علی رغم تمام اطمینان خاطرهایی که «سومبارت» داد، کاهش فاحش در سهم کارگران از درآمد ملی ایجاد گردید. در سال ۱۹۳۰ رشد شوم بیکاری و در سال ۱۹۳۳ کم و بیش کمک های مقرر شده به بیکاران به شکل گره گشایی که حتی به نیمی از دستمزدی که در طی دوران بیکاری از دست داده بودند، نمی رسید آغاز گردید. توهم به "پیش رفت" بلامانع تمام طبقات، بدون هیچ آثاری، ناپدید گردیده است. کاهش نسبی ی سطح زنده گی ی توده ها توسط کاهش مطلق جایگزین شده است. کارگران در ابتدا از مخارج سرگرمی و تفریح خود و سپس از پوشاک و در نهایت از خوراک خود می زنند. وسایل زنده گی با کیفیت متوسط جای خود را به وسایل بی کیفیت تر و بسیار بدتر می دهد. اتحادیه های کارگری مانند آدمی می ماند که در آسانسوری که با سرعت در حال پایین آمدن است، گیر کرده باشد.

ایالات متحده آمریکا با ۶ درصد جمعیت جهان، صاحب ۴۰٪ کل ثروت جهان است. با این وجود، همان طور که خود «روزولت» اقرار داشت، ۱/۳٪ ملت آمریکا از سوء تغذیه رنج برده، پوشاک نامناسب داشته و تحت شرایط غیرانسانی زنده گی می کنند. با توجه به این مسأله، در مورد کشورهای خیلی فقیرتر چه می توان گفت؟ تاریخ جهان سرمایه داری از زمان

آخرین جنگ جهانی تا کنون به طور انکارناپذیری "تنوری بینوایی فزاینده" را بردوش کشیده است. قطب بندی شدن هر چه بیشتر اجتماعی ی جامعه، امروز نه تنها به وسیله ی آمارگران معتبر که از جانب دولت مردانی که هنوز قوانین جمع و تفریق و جدول ضرب ابتدایی را به خاطر دارند نیز قبول شده است.

[وجود] رژیم فاشیستی که حد و مرز سقوط و ارتجاع مورثی ی نظام سرمایه داری امپریالیستی را به پایین ترین سطح ممکن آن کشاند، زمانی لازم گردید که انحطاط نظام سرمایه داری امکان حفظ و گسترش [این] توهامات را نسبت به رشد استاندارد زنده گی پرولتاریا کاملاً از میان برده بود. دیکتاتوری فاشیستی، یعنی قبول آشکار گرایش به فقر؛ فقری که دموکراسی های امپریالیستی ثروتمندتر همواره سعی در پنهان کردن آن کرده اند. «موسولینی» و «هیتلر» با نفرت تمام مارکسیزم را مورد اذیت و آزار قرار می دهند، دقیقاً به این دلیل که وجود رژیم خود آنان تأیید وحشت ناکی بر پیش گویی های مارکسیستی است. دنیای متمدن آزرده شده و یا تظاهر به آزردهی کرد، وقتی «گورینگ» با لحن یک جلاّد و با لودگی خاص خود اعلان داشت: اسلحه مهم تر از کره است؛ یا زمانی که «موسولینی» به کارگران ایتالیا نصیحت کرد که کمربندهای خود را روی پیراهن های سیاهشان محکم تر به بندند. آیا این امر در ماهیت خود در دموکراسی های امپریالیستی در حال رخ دادن نیست؟ کره در همه جا برای روغن کاری اسلحه به کار می رود. کارگران فرانسه، انگلستان و ایالات متحده می روند تا کمربندهای خود را محکم کنند، بدون این که پیراهن سیاه داشته باشند. در ثروتمندترین

کشور جهان میلیون ها کارگر به فقرایی تبدیل شده اند که محتاج خیرات
مؤسسات فدرال، دولتی، شهری یا خصوصی برای زنده گی خود هستند.

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتاب خانه: <http://www.iwsn.org/nashr.htm>

آدرس پستی: BM Kargar, London WC1N 3XX, UK

ایمیل: yasharazarri@yahoo.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۴